



Translate Luna

Clean Luna

Type Flora



T.me/IriSekai



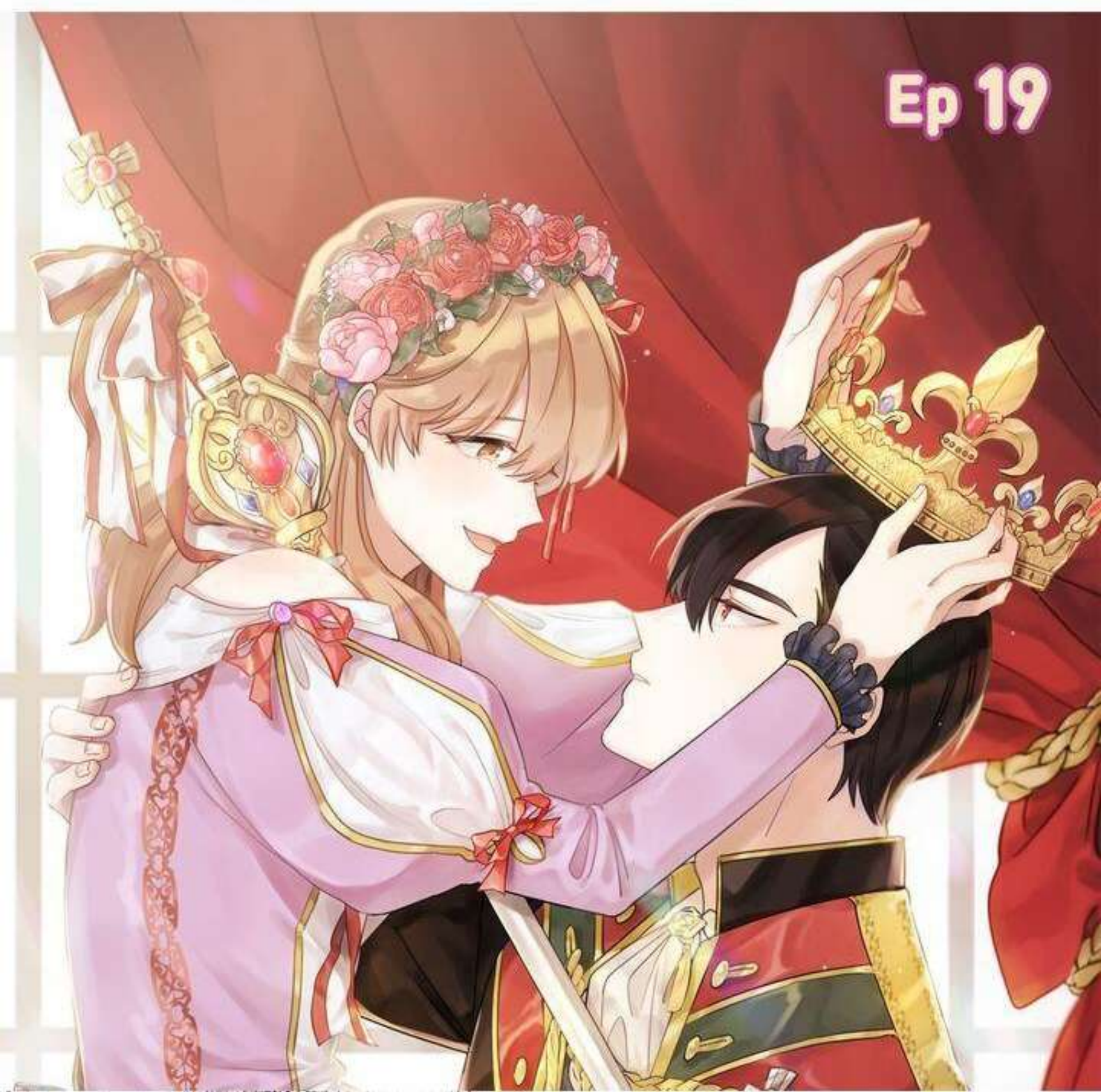
instagram.com/IrisSekai

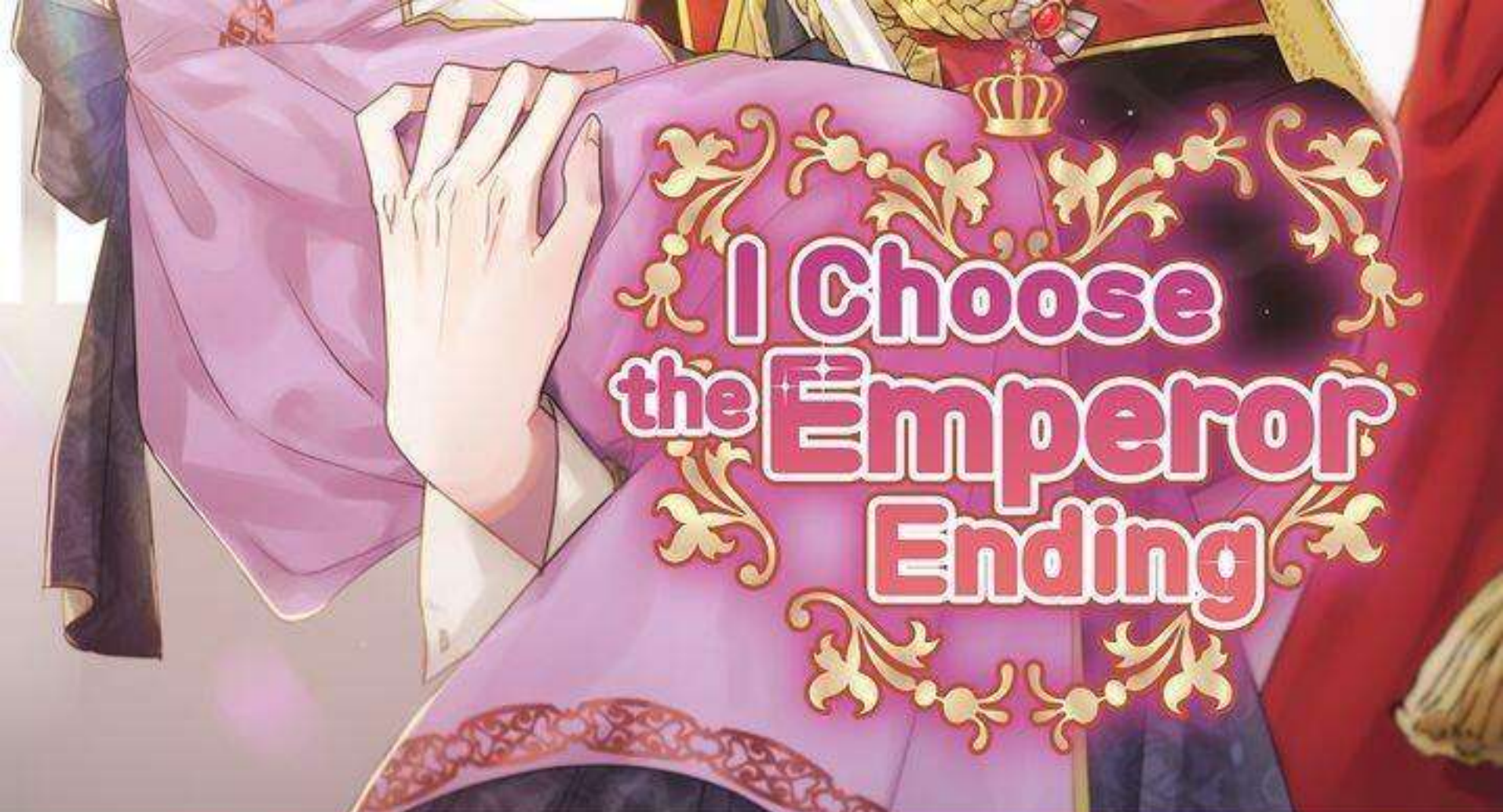
درباره رقصی که
امروز به بقیه نشون
دادی بهم بگو.



دلم می‌خواد درباره
زادگاہت هم بدونم.







مراسم دعای صبحگاهی



تو با پسرا انجامش
می‌دی، نه؟



دیاثه، ما در محضر
الهه هستیم مثلاً.



داری این طوری رفتار می کنی
چون دیروز رقصیدن به عنوان
زن رو به عهده گرفتم؟

SHOUT

با گروه مدرک داری
این پرتو می‌گی؟



خدایا، ارزشای تاریخ
مصرف گذشته‌ی
جامعه‌ی عهد پوق...

حشره خوار دماغ دراز
خال بهم زن! از الهه
خجالت نمی‌کشی؟



یه سوزن به خودت بزن یه
جوالدوز به مردم، دیاثه. واقعا
داری چه چیز منحرفانه‌ای رو
در محضر الهه تصور می‌کنی؟

اصلا خودت
خجالت نمی‌کشی؟

... الان باید مشغول
دعا کردن باشیم...



چررا؟!



چرا از این پسر
مراقبت می کنین،
لرد ادوارد؟



یه لحظه بهش فکر
کنیم شما دوتا کل
روز با همین!

RAWR

SNARL

نیت شیطانیت که
پنهانش کردی پیه؟؟
کودن فسقلی...!



WHINE

دست از سر کپلم بردار من
این کارو نمیکنم چون
خودمم دلم میخواد~!

YELP

ولی این
خیلی عجیبه.



حتی با اینکه اون بچه
تکنولوژی شرق رو برامون
اورده، لرد ادوارد شخصا
ازش مراقبت می‌کنه؛

و مرد دست راست ادوارد،
کین، خیلی با ادب و احترام
باهاش برخورد می‌کنه.



اینطور که از ظاهرش
برمیاد شاید بچه حروم
زاده یه اشراف زاده
گرددن کلفت باشه؟

WHISPER

راستشو بخوای من
یه چیزی توی
آشپزخونه شنیدم...

WHISPER





چی؟!



همگی، وقت
چایه~!



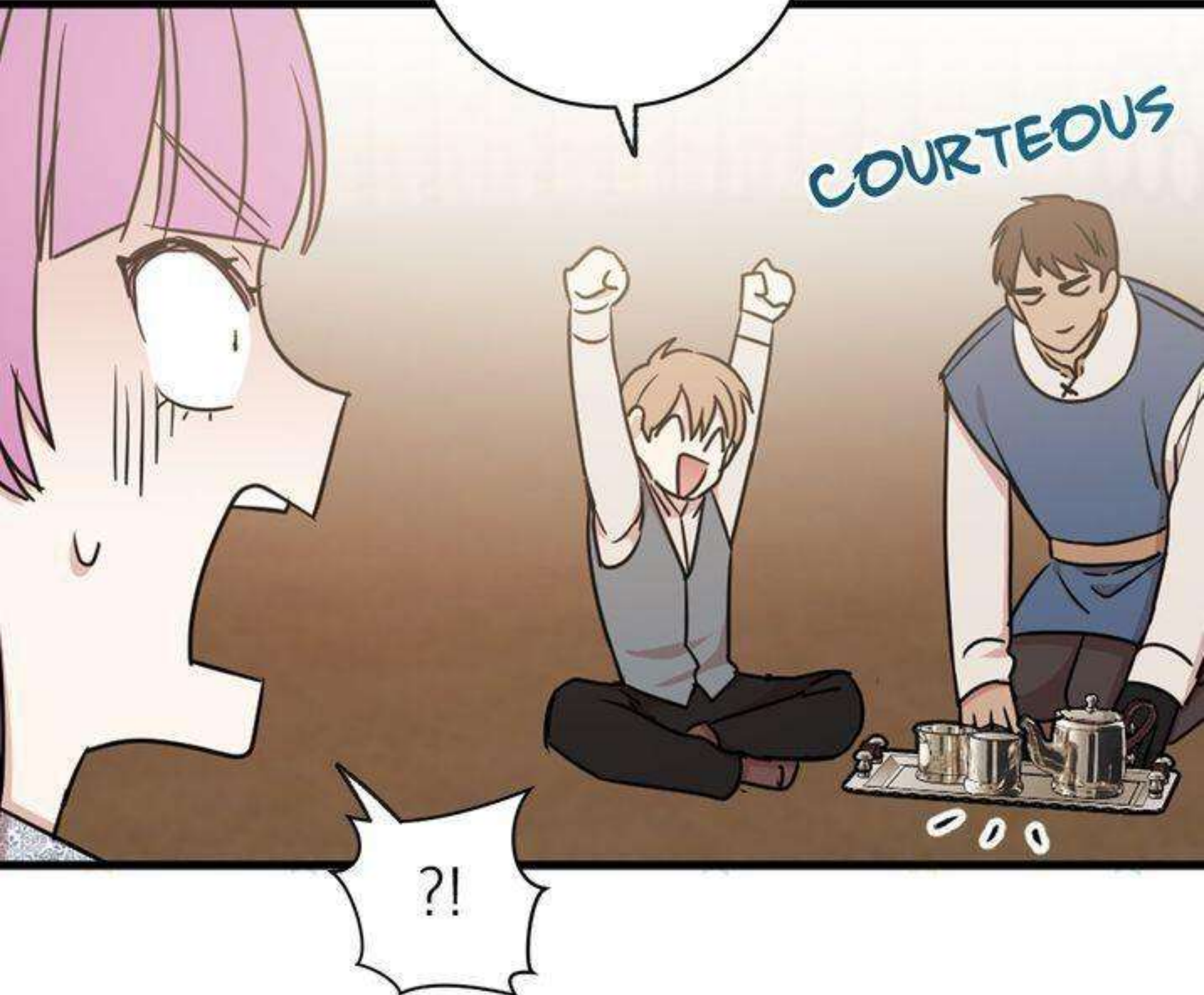
ای جان!

شیرینی هم
داریم~



... نمی شه چند لحظه
آتش بس کنیم؟

GRUMBLE



داری روی زمین پر
از خاک و خل چه
غلطی می کنی؟!



لطفاً یکم شو امتحان کنین، بانو
دیاثه ~ آراین کلوچه های
خوشمزه ای درست کرده.

ایش! دلم نمی خواد بهت
نزدیک شم چون خیلی
پست و کثیفی، والا!



خب نمی‌خوای
نخوا ~

با کلوچتون یکم
چای بنوشید.

docile



بازم شیرینی نمی‌خواین؟
دوست دارین براتون یکم
مربا بیارم که روش بمالین؟

دستت طلا کین.

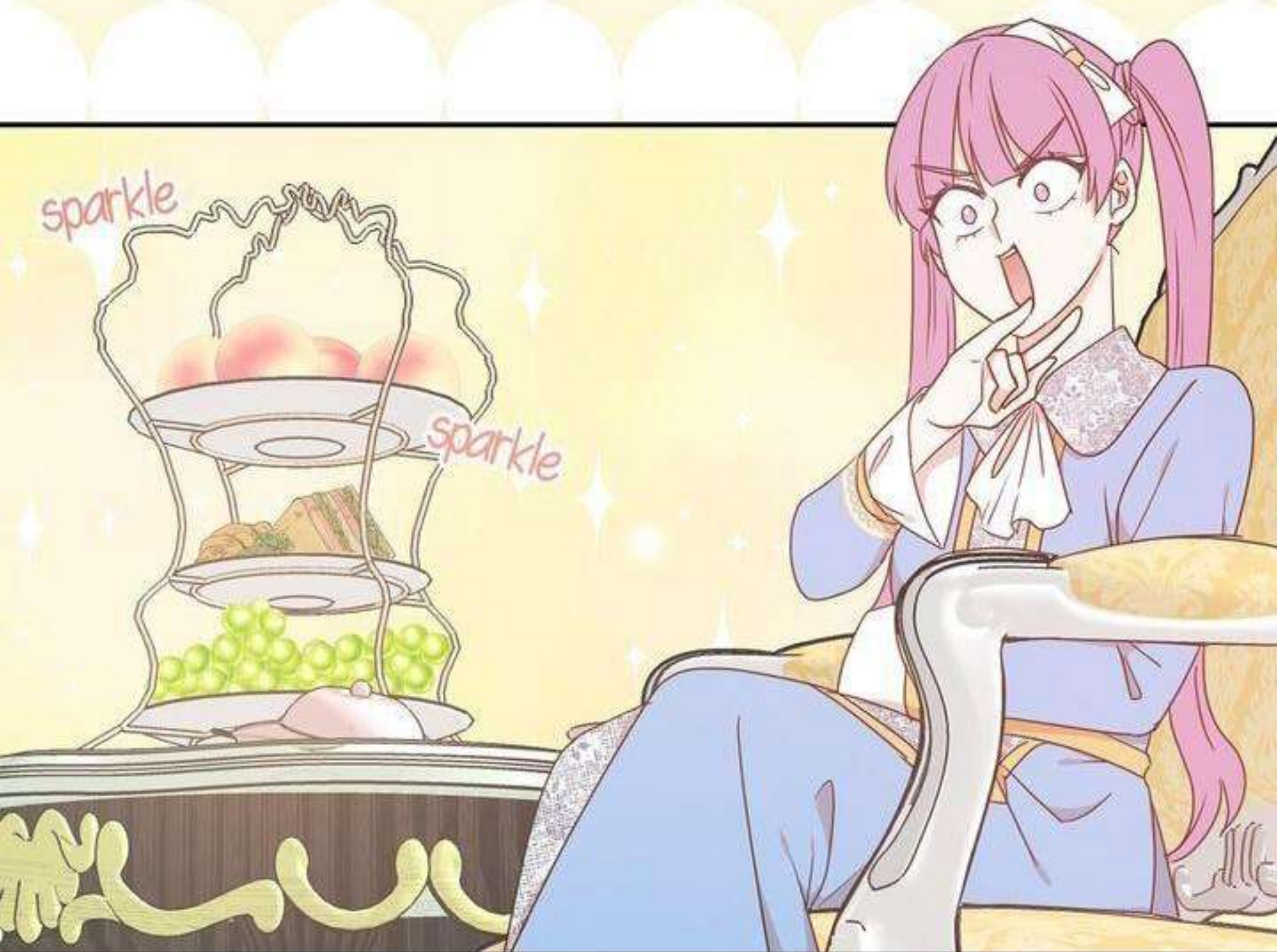
blush

pleased

اون یه روزی یه
شهر عالی می شه.

DA DUN

این شد یه چایی
درست حسابی~!



فقط بین اون دهقانای
فرومایه چه شیرینیای
کرمویی می‌لومبونن!

ohoho







ها؟ این باد گرم
از کجا میاد...؟





ایش! یه غذای
دهقانونه دیگه...

عزیز ماما منن!~

همتون گوش کنین،
اگه شکل خاصی
هست که می‌خواین،
فقط کافیه بهم بگین!

براتون فوری
درستش می‌کنم!



حتی حتی توی میدون جنگ
یا زمین شکار، اگه فقط
آتیش و شکر داشته باشین،

می‌تونین هر وقت
عشقتون کشید
درستش کنین~!

خیلی به درد
بخوره.



من یه ستاره
می‌خوام!

من یه خرس
گوگولی می‌خوام!

بانو دیا ته، این یکی
مال شماست...!



عیج...





مغزت کیک زده؟ چرا
میز ناهارخوری رو
چپکی کردی؟!

WHAM!

BAM!

خفه شو! به تو چه! اصلا
تو کی هستی؟ به چه
دلیل کوفتی ای داری این
کارو بلهام می کنی؟!

دیاته، نباید از
روی بی احتیاطی
غذا رو هدر بدی...



به هر حال!! شما از
همشون بدترین!!



پراهمپین پسر
پستی رو کنار خودتون
نگه می‌دارین؟

شما که می‌دونین اون مدام تلاش می‌کنه
منو ذیالت زده کنه و از هر فرصتی گیرش
بیاد برای تنقیر من استفاده می‌کنه!



یعنی در مقابل این
دختر که قندوقی
زیاده روی کردم؟

... دیاثه.



اینو می بینی؟



?

بهش می گن
«عصای زیر بغلی».



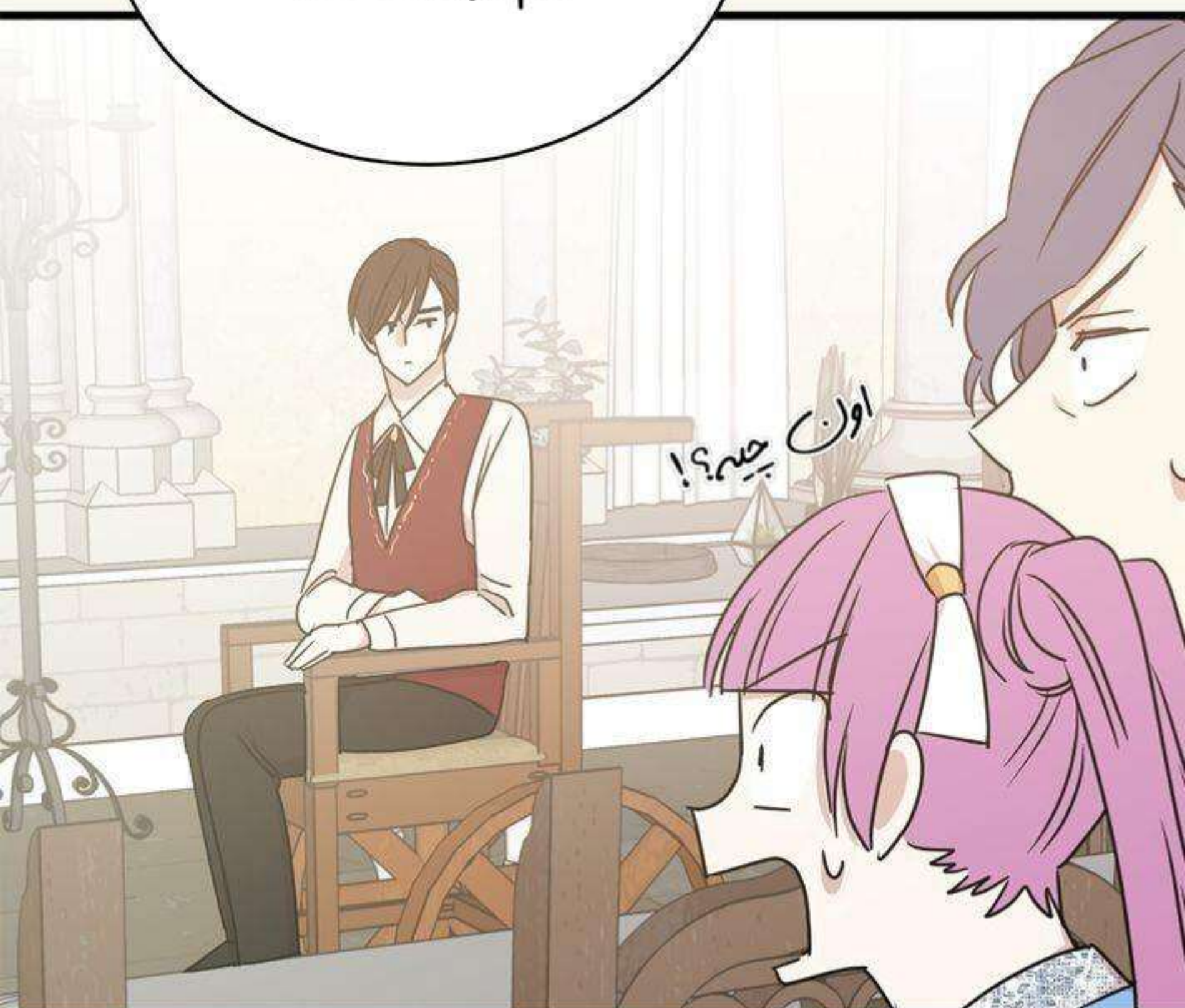
این یه وسیله خیلی به
دردبخوره که بهم کمک
می کنه راه برم حتی اگه
پام آسیب دیده باشه.

این عصای زیر بغلیو
اون پسر ساخته.



!!

صندلی چرخ دار که
موقع صبحانه دیدین
هم اون ساخته.



تازه هنوز
مونده.

اون به مرد دست راستم،
کین، این امکانو داد که
دوباره شمشیر دستش بگیره.



اون یه نابغه‌ست
که الهه فرستاده،

یه گنج از
قلعه دیهاس.



اون شاید یه خارجی
و یه کافر باشه،

لطفا، من امیدوارم تو
بتونی لطف و برکت رو
شامل حالش کنی.





MOVED

